

برنامه‌ریزی و ساماندهی روستاهای پراکنده*

مورد؛ دهستان کورین زاهدان

محمد شریفی کیا

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

دکتر عیسی ابراهیمزاده

استادیار جغرافیا دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

ساماندهی روستاهای پراکنده از جمله استراتژی‌های کارآمد در برنامه‌ریزی توسعه و همچنین محوری‌ترین الگوی توسعه فضایی - کالبدی نواحی روستایی است. این استراتژی بر دو هدف عمده «بهبود کردن مکان‌ها» و «بهبود کردن کارکردها» مبتنی است و در صدد ارائه الگوی بهینه‌ای از نظام استقرار فضایی مکان‌ها و کارکردهای متناسب با آن است.

در واقع ساماندهی روستایی از طریق شناخت ساختارهای محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فضایی-کالبدی نواحی روستایی، امکان‌پذیر خواهد بود؛ که با تجزیه و تحلیل این ساختارها و کارکردها، می‌توان کانون‌های جمعیت و فعالیت مجموعه‌ای از روستاها را در یک نظام سلسله‌مراتبی ساماندهی نمود، تا از این طریق کارایی و بازدهی فعالیت‌ها و سکونتگاه‌های روستایی بهینه گردد و توسعه آن‌ها شتاب گیرد.

ناحیه روستایی کورین زاهدان بر مبنای استراتژی فوق‌الذکر مورد مطالعه قرار گرفت و پس از تحلیل یافته‌ها، این ناحیه به حوزه‌های عملکردی با توجه به زمینه‌های مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و نهایتاً فضایی - کالبدی و سایر عناصر و مؤلفه‌های مؤثر بر آن‌ها تقسیم‌بندی و در مجموع چهار حوزه کاملاً مشخص «سرجنگل، شورو، دومک و بالاخره قلعه بید» در آن شناسایی و تعیین گردید. در تحلیل‌های بعدی از مجموع ۴۱۷ نقطه روستایی این ناحیه، ۳۵/۹ درصد آن‌ها ناپایدار، ۲۴/۷ درصد پایدار و بالاخره ۳۹/۵ درصد نیز ایستا ارزیابی گردید.

نهایتاً از مجموع الگوهای ساماندهی مطرح شده در این مطالعه سه الگوی «تجمع، ادغام و بالاخره توسعه و تجهیز» روستاهای ناحیه مورد مذاقه بیشتر قرار گرفت و بر پایه آن یک کانون

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی: «طرح جمع و ادغام روستاهای پراکنده دهستان کورین» است که با همکاری اینجانب و جمعی دیگر از همکاران دانشگاهی شامل آقایان دکتر جعفرپور، دکتر تقوایی، آقای بذرافشان و آقای شریفی کیا انجام شده؛ و اعتبارات طرح را جهاد سازندگی سیستان و بلوچستان فراهم نموده است.

تجمیع، دو کانون ادغامی و ده کانون کلیدی مستعد توسعه و تجهیز مشخص و مکان‌گزینی گردیده‌اند. چگونگی مطالعات تفصیلی و تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در متن اصلی مقاله آمده است.

واژگان کلیدی: توسعه ناحیه‌ای، بهینه کردن مکان‌ها، بهینه کردن کارکردها، سکونتگاه‌های روستایی، ساماندهی فضایی - کالبدی، حوزه‌های عملکردی

مقدمه

برنامه‌ریزی به منظور توسعه نواحی کمتر توسعه‌یافته، مشخصاً از دهه ۶۰ میلادی با توجه به ضرورت‌های اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جهان و عقب‌ماندگی‌های جهان سوم به طور خاص که نسبت به دیگر کشورها دچار عدم توسعه‌یافتگی مفرطی بودند، شروع شد و این مهم خود بر غنای ادبیات توسعه و توسعه‌نیافتگی افزود (مایر، ۱۹۸۴: ۳۳-۱۳).

از سویی امر توسعه در واقع چرپانی چند بعدی است که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی، اجتماعی در سطح کشورها و مناطق خواهد بود. به عبارت دیگر، توسعه و برنامه‌ریزی‌هایی که بدین منظور جهت ساماندهی کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و فضایی - کالبدی نواحی مختلف شکل می‌گیرد، می‌بایست علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، به‌طور محسوس متضمن تغییرات بنیادی در ساخت‌های اجتماعی، اداری و همچنین طرز تلقی عامه و حتی آداب، عادات، رسوم و اعتقادات باشد. در واقع تحقق همه‌جانبه امر توسعه می‌تواند موجب اصلاحات اساسی در نظام اجتماعی - اقتصادی در سطح ملی و منطقه‌ای گردد (تودارو، ۱۹۸۱: ۱۱۵).

نظر به این‌که استان سیستان و بلوچستان یکی از دورافتاده‌ترین نقاط جمعیتی و سکونتگاهی در ایران بر اساس قاعده مرکز - پیرامون است (اجلایی، ۱۳۷۳). این امر باعث شده است که در داخل این استان نیز عملاً به نوعی این قاعده خودنمایی کند و اغلب مراکز شهری به نسبت مراکز روستایی از نظر شاخص‌های توسعه جایگاه برتری داشته باشند (براهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۳-۲۰). دهستان «کورین» از شهرستان زاهدان در سیستان و بلوچستان در این تحقق به‌عنوان واحد مطالعاتی انتخاب و پس از مطالعه خصوصیات و کارکردهای محیطی، اجتماعی، جمعیتی، اقتصادی و کارکردهای فضایی-کالبدی آن، در غالب یک مدل تحلیلی به ارزیابی کارکردها و توانمندی‌ها و همچنین محدودیت‌های موجود در توسعه ناحیه‌ای آن، پرداخته شد. نهایتاً با تجزیه و تحلیل

عامل‌ها و فاکتورهای محوری تأثیرگذار بر عملکردهای مختلف آن به طراحی مدل ساماندهی و برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و فضایی - کالبدی ناحیه اقدام و چشم‌انداز آتی توسعه ناحیه‌ای آن ترسیم گردیده است (براهیم‌زاده، ۱۳۷۵).

وضع موجود طبیعی و انسانی ناحیه مورد مطالعه

۱- موقعیت و خصوصیات محیطی

این ناحیه در دهستان «کورین» از بخش «نصرت‌آباد» شهرستان «زاهدان» در استان «سیستان و بلوچستان» و در جنوب شرق ایران واقع گردیده است. مساحت این دهستان بالغ بر ۷۵۰۰ کیلومتر مربع است. محیط طبیعی دهستان به دو بخش بیابانی و کوهستانی قابل تقسیم است. بخش بیابانی آن که در غرب قرار گرفته حدود ۵۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و به خاطر فقدان منابع آب مناسب و تسلط ماسه‌های روان بر آن، غیرمسکونی است. بخش کوهستانی که در شرق دهستان قرار دارد، به سبب شرایط مناسب محیطی (به لحاظ آب و خاک) و وجود سه دشت کوچک قلعه بید، کورین و دومک در این قسمت، کل جمعیت دهستان را در خود جای داده و مسکون است. آب و هوای این ناحیه از نوع بیابانی و متوسط بارندگی سالانه آن حدود ۸۰ میلیمتر است. منابع آب دهستان به سبب شرایط خاص لیتولوژیکی نواحی اطراف (وجود تشکیلات کالروملانژ و رسوبی) و قرارگیری آن در دامنه‌های غربی تفتان، از موقعیت مناسبی برخوردار است و عمدتاً منابع آب به‌صورت زیرزمینی در سه دشت فوق‌الذکر به نسبت قابل قبولی وجود دارد. وجود مراتع نسبتاً غنی و چند معدن در منطقه از دیگر خصیصه‌های طبیعی این ناحیه است (براهیم‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۱-۱).

۲- کارکردهای فرهنگی - اجتماعی و تحولات جمعیتی

این دهستان یک ناحیه قومی است که از قدیم‌الایام عرصه نفوذ و فعالیت دامداری یکی از طوایف بزرگ بلوچ (طایفه اسماعیل‌زهی) بوده و مردمان این طایفه بین ارتفاعات مجاور و دشت‌های آن جابجا می‌شده‌اند. این طایفه از پیشینه یکجانشینی محدودی برخوردار بوده و تا سال‌های آغازین دهه ۱۳۳۰، تقریباً تمام جمعیت در حال کوچ و جابجایی بوده‌اند (مطالعات میدانی، ۱۳۷۵). در آغاز دهه ۳۰ سران این طایفه که از سالیان قبل به سبب یاغی‌گری و قانون‌ستیزی در تعقیب و جدال با دولت مرکزی بودند، تأمین گرفتند و در واقع مورد عفو دولت واقع شدند. به همین خاطر عنوان طایفه از «اسماعیل‌زهی» به «شه‌بخش» تغییر یافت (مطالعات میدانی، ۱۳۷۵). این امر سبب ایجاد امنیت نسبی در منطقه و به دنبال آن رونق یکجانشینی و شروع

فعالیت‌های کشاورزی در این ناحیه گردید؛ و بنیان اولیه تعدادی از نقاط مسکون امروزی در آن پایه‌گذاری شد. به طوری که در سال ۱۳۵۵ تعداد نقاط مسکون آن ۷۵ نقطه با ۱۴۶۲ خانوار و ۶۱۵۴ نفر بود. در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ با شروع بهره‌برداری وسیعتر از منابع آب زیرزمینی از طریق حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق، تحول گسترده‌ای در ساختارهای فضایی و جمعیتی ناحیه پدید آمد. به طوری که در سال ۱۳۶۵، نقاط مسکون به ۱۴۴ نقطه افزایش یافت (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵). اما جمعیت آن به سبب شروع بحران‌های سیاسی و امنیتی در منطقه و مهاجرت محدود، تحول چندانی نیافت و نرخ رشد آن تنها ۰/۷ درصد بوده است. بدین معنی که قرارگیری این ناحیه در میان مناطق بحرانی شرق ایران و برخورداری ساکنین آن از پیشینه‌ی باغی‌گری و قانون ستیزی، و تحولات ناشی از انقلاب اسلامی و آزادی عمل بیشتری که این ساکنین پیدا کردند، سبب شکل‌گیری بحران وسیع سیاسی - امنیتی در این دهه در منطقه شد. به طوری که این ناحیه مأمّن بسیاری از اشرار، قاچاقچیان، آدم‌ربایان و قانون‌ستیزان گردید، و این روند تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت. اقدامات وسیع نیروهای نظامی و انتظامی در این سال در منطقه، نهایتاً منجر به دستگیری و قلع و قمع سران اشرار در این ناحیه گردید و مابقی نیز در سایه رأفت و رحمت اسلامی امان‌نامه دریافت داشتند و در واقع دوباره بخشیده شدند. تغییر فضای سیاسی ناحیه و بازگشت امنیت به آن، زمینه‌های سرمایه‌گذاری و اسکان هر چه بیشتر افراد و خانوارها را در این ناحیه به دنبال داشت، که این خود سبب تحولی وسیع در ساختارهای فضایی و جمعیتی آن گردید به طوری که در سال ۱۳۷۵ تعداد نقاط مسکون به ۴۱۷ نقطه رسید و جمعیت آن بالغ بر ۳۱۲۰ خانوار و ۱۸۵۹۸ نفر شد.

جدول شماره ۱: روند تحولات جمعیتی دهستان کورین از سال ۱۳۵۵ الی ۱۳۷۵*

سال	تعداد آبادی		تعداد روستاهای اضافه شده	تعداد روستاهای تخلیه شده	بعد خانوار	جمعیت	تعداد خانوار	نرخ رشد (درصد)		
	مسکون	جمع						خانوار	آبادی	جمعیت
۱۳۵۵	۷۵	۷۵	-	-	۴/۲	۶۱۵۴	۱۴۶۲	-	-	-
۱۳۶۵	۱۴۴	۱۵۴	۱۰	۷۸	۵/۱	۶۶۰۱	۱۲۹۱	۲/۴	۷/۳	۰/۷
۱۳۷۰	۱۸۴	۲۵۲	۶۸	۹۹	۶	۱۲۷۴۵	۲۰۹۳	۱۰/۱	۸/۸	۱۴/۱
۱۳۷۵	۴۱۷	۴۸۷	۷۰	۲۵۳	۵/۹	۱۸۵۹۸	۳۱۲۰	۸/۳	۱۵/۷	۷/۳

* مرکز آمار ایران، شناسنامه دهستان‌های سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۵

۳- ساختارهای اقتصادی و تولیدی

اقتصاد این ناحیه تا قبل از دهه ۱۳۵۵ تماماً متکی بر دامداری بوده و فعالیت زراعی در آن رونق چندانی نداشته است، لیکن به سبب تحولات پس از آن، بخصوص در ابعاد جمعیتی و اسکان عشایر، ساختارهای اقتصادی آن دچار تحولات اساسی گردید، که عمدتاً با حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق و پایه‌گذاری نقاط جدید جمعیتی در اطراف این چاه‌ها، فعالیت زراعی نیز رونق چشمگیری یافت. همچنین طی سال‌های اخیر تعداد معدودی واحد صنعتی نظیر کوره آجرپزی و فرش ماشینی و غیره نیز در این ناحیه پایه‌گذاری گردیده است. در حال حاضر این ناحیه واجد ۳۶۶۰ هکتار اراضی زراعی و باغی (۲۸۷۸ هکتار زراعت و ۷۸۱ هکتار باغی)، و حدود ۸۹۱۵۰ رأس گوسفند و ۱۰۰۳ نفر شتر است. سرانه درآمد ناخالص مردم این ناحیه از محل فعالیت‌های دامداری و زراعی در سال ۱۳۷۵ معادل ۷/۴ میلیون ریال و درآمد خالص سرانه نیز حدود ۴/۸ میلیون ریال بوده است. البته این در حالی است که درآمدهای پنهان جمعیت منطقه که عمدتاً از طریق غیرقانونی حاصل می‌شود، بعضاً چندین برابر ارقام فوق‌الذکر است (مطالعات میدانی، ۱۳۷۵). فعالیت صنعتی رونق چندانی در منطقه نداشته و لذا تأثیر چندانی بر درآمدهای آن نیز ندارد.

۴- ساختار فضایی - کالبدی

ساختار فضایی ناحیه متأثر از ساختارهای محیطی و انسانی - اجتماعی آن است. خشونت محیطی بخش غربی و غیر مسکون بودن آن و برعکس مساعدت‌های نسبی محیطی در بخش شرقی و سکونت انبوهی از جمعیت، سبب و عامل پیدایش ساختار فضایی خاص برای ناحیه شده است، که کوچکی حجم جمعیتی نقاط، توزیع و پراکنش آن در سه دشت قلعه‌بید، کورین، دومک و جدیدالتأسیس بودن نقاط، وابستگی قومی و طایفه‌ای نقاط به همدیگر و غیره از جمله آن‌هاست.

از مجموع ۴۱۷ نقطه مسکون ناحیه در سال ۷۵ تنها ۲۹ نقطه بالاتر از ۲۰ خانوار جمعیت داشته که حداکثر آن به ۸۵ خانوار می‌رسد. همچنین تعداد نقاط ۱۰ تا ۲۰ خانواری آن نیز ۶۷ نقطه و تعداد نقاط کمتر از ۱۰ خانوار آن ۳۲۱ نقطه بوده است، به بیان دیگر ۷۷ درصد از نقاط مسکون دهستان کمتر از ۱۰ خانوار و ۹۳ درصد آن کمتر از ۲۰ خانوار جمعیت دارد که تمرکز جمعیت در گروه نقاط کوچک و کم‌جمعیت را نشان می‌دهد. این نقاط تماماً دارای موتور پمپ‌های آب هستند که یک یا دو خانوار بهره‌بردار در اطراف آن استقرار یافته و این‌گونه روستاها را تشکیل داده است. پخشایش

این نقاط در سطح ناحیه مطلوب بوده است و حداکثر فاصله یک نقطه با نقطه دیگر ۵۰۰ متر است (مطالعات میدانی، ۱۳۷۵).

جدول شماره ۲: گروه‌بندی نقاط جمعیتی دهستان کورین *

گروه‌های جمعیتی	بالای ۲۰ خانوار	۱۰ تا ۲۰ خانوار	کمتر از ۱۰ خانوار	جمع کل
تعداد خانوار	۲۹	۶۷	۳۲۱	۴۱۷
درصد	٪۷	٪۱۶	٪۷۷	۱۰۰

* مرکز آمار ایران، شناسنامه دهستان‌های سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۵

اینک کوچک بودن نقاط و حجم جمعیتی اندک آن مانع از استقرار امکانات و خدمات در سطح ناحیه شده است، به طوری که در حال حاضر در سطح ناحیه تنها ۲۵ روستا از حداقل امکانات ضروری آب و برق برخوردار هستند و دبستان نیز در ۴۲ نقطه آن پایه‌گذاری شده است. روستاهای واجد خدمات عمده‌تر در سطح ناحیه شامل شورو، دومک، سرچنگل و قلعه بید هستند، که این نقاط با داشتن حداقل خدمات از جمله شعبه فروش نفت و فروشگاه تعاونی، دفاتر مخابراتی و غیره، امکانات و خدمات ضروری را به نقاط پیرامون نیز عرضه می‌نمایند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها بر اساس مدل تحلیلی

شناخت شرایط فعلی ناحیه در ابعاد محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فضایی - کالبدی امکان حوزه‌بندی آن به نواحی کوچکتر و تعیین حوزه‌های همگن عملکردی در زمینه هر یک از عناصر فوق‌الذکر را میسر می‌سازد، بر اساس یافته‌های فوق در سطح ناحیه، حوزه‌های همگن در زمینه عناصر فوق‌الذکر وجود دارد؛ این حوزه‌ها که در ابعاد محیطی، اجتماعی، و اقتصادی و کالبدی دارای کارکردهای فضایی یکسان هستند، شامل:

- قلعه بید به مرکزیت روستای قلعه‌بید در جنوب و مشتمل بر ۵۶ نقطه روستایی.
- سرچنگل به مرکزیت روستای سرچنگل و شامل ۱۲۳ روستا در مرکز.
- شورو به مرکزیت روستای شورو و شامل ۸۱ نقطه در شمال غرب.

- دومک به مرکزیت روستای دومک و شامل ۷۸ نقطه روستایی در شمال شرق که این حوزه‌ها از تشابه و همسانی وسیعی در زمینه ساختارهای محیطی انسانی، اقتصادی و فضایی-کالبدی برخوردار هستند و تنها تفاوت آن‌ها که مبنای حوزه‌بندی قرار گرفته، عملکرد فضایی و وابستگی نقاط به کانون‌های فوق‌الذکر که مرکزیت قومی و طایفه‌ای و محل سکونت بزرگان قوم هستند بوده است (مطالعات میدانی، ۱۳۷۵).

بررسی‌های انجام شده تصویر روشنی از ناحیه مورد مطالعه را ارائه نمود، لیکن این یافته‌ها نمی‌تواند به درستی عملکرد فضایی نقاط و درجه پایداری آنان را مشخص نماید. لذا ضرورت دارد، یافته‌های موجود با هدف تعیین شرایط و درجه پایداری و ناپایداری نقاط مجدداً ارزیابی گردد (بدری، ۱۳۶۹: ۲۳۲-۱۷۷).

بدین منظور و برای تعیین دقیق شرایط حاکم بر ناحیه و تعیین وضعیت هر یک از نقاط، پروسه‌ایی به شرح ذیل مورد مذاقه و بررسی قرار گرفت:

۱- ابتدا مجموعه عوامل محیطی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی - تولیدی و فضایی - کالبدی به عنوان عوامل عملکردی ناحیه به صورت شاخص‌ها و زیرعواملهای متعدد دسته‌بندی شده‌اند. به طوری که در زمینه هر عامل مجموعه زیرعامل‌های آن معرفی و بسته به درجه عملکردی آن‌ها نزولی گردیده‌اند، به عنوان مثال مجموعه زیرعامل‌های بخش محیطی تحت عنوان پارامترهای آب و هوایی، منابع آبی و میزان بهره‌وری از آن، خاک و اراضی زراعی قابلیت‌دار، پوشش‌های گیاهی و مراتع دسته‌بندی و معرفی شده، سپس با توجه به شرایط و ویژگی‌های موجود ناحیه درجه اثرگذاری هر یک از این زیرعامل‌ها در شکل‌دهی عامل مورد نظر و عملکرد آن به زیرعامل محوری و غیرمحوری (حاشیه‌ای) تقسیم‌بندی شده‌اند. به عنوان مثال در بخش محیطی، دو زیرعامل آب و خاک به عنوان دو پارامتر، که بیشترین تأثیر را در امر شکل‌دهی نظام بهره‌وری از عناصر محیطی داشته‌اند و یا به تعبیر دیگر گروه‌های انسانی ساکن بیشترین نیاز محیطی ایشان عرضه این دو پارامتر بوده است، به عنوان زیرعامل‌های اصلی و محوری معرفی گردیده‌اند. مبتنی بر این روش برای چهارگروه از عوامل عملکردی، مجموعه زیرعامل‌هایی به شرح ذیل معرفی شده‌اند:

الف: عوامل محیطی؛ آب و خاک (حجم و میزان منابع بالفعل و بالقوه)

ب: عوامل اجتماعی - فرهنگی؛ تعداد جمعیت، انسجام و اجتماعی - فرهنگی

ج: عوامل اقتصادی - تولیدی؛ درآمد سرانه متوسط خانوارهای نقاط

د: عوامل فضایی - کالبدی؛ امکانات و خدمات موجود، نحوه توزیع نقاط در پهنه فضا و فاصله نقاط از همدیگر

پس از انتخاب عامل‌ها و زیرعامل‌ها برای تعیین و ارزیابی شرایط موجود و آتی آنان دو گزینهٔ مقدم و مؤخر در نظر گرفته‌ایم؛ گزینهٔ مقدم شرایط عملکرد موجود زیرعامل‌هاست و گزینهٔ مؤخر شرایط عملکردی آتی آنان مبتنی بر قابلیت‌ها و توانمندی بالقوه و یا امکانات و قابلیت‌های توسعه‌ای است (دیدگاه کارشناسی نگارندگان). با انجام این عملیات زیرعامل‌ها و گزینه‌های مقدم و مؤخر به صورت‌های کمی و کیفی معرفی گردیدند.

اینک با وجود در دست داشتن مجموعه‌ای از داده‌های کمی و کیفی راجع به پارامترهای مختلف، تجزیه و تحلیل مناسب همیشه با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده است که باید برای آن چاره‌سازی نمود، بخصوص این‌که:

- اولاً داده‌ها استاندارد نشده و لذا ارزش عددی آن‌ها متفاوت است.
- ثانیاً برای سنجش عملکرد مثبت یا منفی پارامترها هیچ سطح مبنای مشخصی وجود ندارد.

- ثالثاً بخشی از داده‌ها کیفی است و نمی‌توان آن‌ها را با کمی‌ها مقایسه نمود
۲- برای رفع این نقیصه در ابتدا تمامی داده‌های کیفی موجود را از طریق یک سطح استاندارد به ارقام کمی تبدیل نموده‌ایم. بدین مفهوم که برای حد مطلوب و نهایی از عملکرد مناسب هر یک از زیرعامل‌هایی که بار کیفی دارند، مثلاً عدد ۱۰ به عنوان آستانهٔ مطلوب معرفی شده و عناصر عملکردی این ساخت شامل قومیت، اختلاف و غیره تعریف و تبیین شده‌اند. سپس بر اساس شرایط حاکم بر این نقطه که عدد ۱۰ دریافت داشته سایر نقاط نمرهٔ بین حداقل صفر برای روستای واجد شرایط بدترین ساخت اجتماعی و حداکثر ۱۰ که بهترین روستای معرفی شده است، منظور می‌گردد.

این محاسبات برای تمام عناصر کیفی و کمی انجام شد و لذا مجموعه زیرعامل‌ها از داده‌های بین حداکثر ۱۰ تا حداقل صفر برخوردار خواهند بود؛ که این همان استاندارد نمودن مجموعه داده‌هاست.

۳- اینک با استاندارد نمودن داده‌ها، مجموعهٔ عملکرد حاصل از زیرعامل تا حدودی هم‌بار و هم‌ارزش شده است، لیکن این نیز نمی‌تواند به مفهوم یکسان‌سازی این عامل‌ها باشد. زیرا ارزش عدد ۱۰ در آب به میزان ارزش عدد ۱۰ در خدمات، در نظام پایدار نقاط نخواهد بود. به بیان دیگر برخی از عامل‌ها به عنوان عوامل حیاتی محسوب می‌شوند و در نظام مقایسه با دیگر عامل‌ها ارجحیت دارند. برای استاندارد نمودن داده‌ها در این مرحله و تعیین درجهٔ اثرگذاری هر یک از عامل‌ها و زیرعامل‌ها در نظام

پایداری نقاط روستایی در ابتدا مجموعه عوامل و زیرعامل‌های اثرگذار در این نظام در غالب مجموعه عملکردی با درجه اهمیت ۱۰۰ تعریف شده‌اند. سپس به میزان اثرگذاری و درجه اهمیت هر عامل در نظام پایداری نقاط امتیاز می‌گیرند؛ که این امتیاز در واقع همان ضریب اهمیت نهایی عامل یا زیرعامل است. بدین منظور که مجموعه عوامل شکل‌دهنده نظام پایداری یک نقطه ۱۰۰ لحاظ شد و سپس سهم و میزان اثرگذاری هر عامل از ۱۰۰ مشخص گردیده است. مرحله دادن ضرایب اهمیت از اعتبار خاصی برخوردار است و در حقیقت دادن این ضرایب به هر عامل مؤید محوریت داشتن آن در شکل‌دهی شرایط موجود و آتی است، که در نظام برنامه‌ریزی به عنوان فعالیت‌های محوری تعریف خواهند شد. لذا باید مبتنی بر شناخت دقیق و همه‌جانبه شرایط موجود حاکم بر ناحیه و ارزش عناصر و عوامل مختلف محیطی، انسانی، اقتصادی و فضایی در نظام توسعه‌ای آن باشد. (بدیهی است در تدوین این ضرایب نظریات کارشناسی بالاترین تأثیر را دارد و باید با دقت و هوشیاری کامل انجام گیرد)، با لحاظ نمودن مجموعه این مسائل ضرایب اهمیت هر یک از عوامل و زیرعامل‌های مورد نظر بر مبنای فرمول ذیل مشخص شده‌اند، که شرح آن در جدول شماره ۳، آمده است.

$$Q_i = \text{ضریب اهمیت}$$

$$Q_i = \frac{M_i}{100}$$

$$M_i = \text{میزان اثرگذاری هر عامل}$$

$$100 = \text{حد مطلوب پایداری}$$

جدول شماره ۳: ضرایب اهمیت عناصر و مؤلفه‌های کارکردی*

وضعیت پایداری	فضایی - کالبدی			اقتصادی	اجتماعی - فرهنگی			محیطی			عوامل کارکردی
	جمع	توزیع فضایی	امکانات و خدمات	درآمد سرانه	جمع	انسجام فرهنگی	جمعیت	جمع	خاک	آب	مؤلفه‌ها
۱۰۰	۳۰	۲۰	۱۰	۲۰	۳۰	۵	۲۵	۲۰	۱۰	۱۰	ضریب اهمیت

* دیدگاه کارشناسی نگارنده‌گان

۴- با مشخص شدن ضرایب اهمیت عامل‌ها و زیرعامل‌ها، بارگذاری هر یک از زیرعامل‌ها بر اساس شرایط و استاندارد معرفی شده صورت می‌گیرد. امتیاز زیرعامل‌ها از طریق فرمول ذیل قابل محاسبه است:

A_i = امتیاز زیرعامل

$$G = \text{نمره خام استاندارد شده زیر عامل} = \frac{G}{10} \times Q_i$$

Q_i = ضریب اهمیت زیرعامل

با ثبت امتیاز هر زیرعامل در جدول و جمع نمودن آن‌ها امتیاز عامل به دست می‌آید، که مجموعه امتیازات عامل‌ها وضعیت عملکردی آن‌ها را در نظام پایداری مشخص می‌نماید. $AG = \sum A_i Q_i$ (امتیاز عامل)

با به دست آمدن امتیاز عامل مجموعه‌ای از داده‌های متفاوت با وزن پایه‌ای یکسان و استاندارد شده را خواهیم داشت که بزرگی و کوچکی آن در گروه خود می‌تواند مؤید میزان تأثیرگذاری در نظام پایداری نظام روستایی و جمع آن‌ها نشان‌دهنده پایداری و یا عدم پایداری نقاط باشد.

۵- از آنجا که این ارقام خود به تنهایی نمی‌تواند تصویر روشنی از تمام نقاط و زمینه‌های پایداری یا ناپایداری آن‌ها را ارائه نمایند، بلکه بازگوکننده وضعیت عملکرد هر نقطه‌اند، ضرورت دارد که داده‌های موجود جهت آستانه‌بندی و تعیین گردنه‌های دقیق‌تر به منظور ارائه گروه‌بندی دقیق و منظمی از روستاهای پایدار و ناپایدار و حد میانی آن‌ها مجدداً ارزیابی و تجزیه و تحلیل گردند. برای این منظور مدل‌های متعدد بارگذاری مورد توجه قرار گرفته و از آن میان آنالیز اسکالوگرام به جهت سهولت پذیرش داده‌ها و تجزیه و تحلیل سریع‌تر و راحت‌تر، پذیرش داده‌هایی اندک‌تر و غیره انتخاب گردیده و ارقام حاصل از انجام عملیات بارگذاری در ماتریس‌های متعدد این مدل تحلیل شده که نهایتاً سه گروه از نقاط روستایی پایدار (مثبت)، ناپایدار (منفی) و ایستا (خنثی) به شرح جدول شماره ۴ معرفی گردیده‌اند. این مدل ضمن معرفی وضعیت پایدار نقاط، زمینه اصلی پایداری و ناپایداری آنان به همراه درجه تفاضل هر نقطه در مورد هر عامل یا زیرعامل با دیگر نقاط و میانگین ناحیه‌ای را معرفی می‌نماید. لذا معرفی این زمینه‌ها به منظور استفاده از آن در نظام برنامه‌ریزی آتی می‌تواند از جمله عمده‌ترین محاسن این روش محاسباتی باشد (آسایش، ۱۳۷۷؛ جلالی، ۱۳۷۳).

یافته‌ها نشان می‌دهد که در سطح این ناحیه، تمام نقاطی که بیش از ۶ خانوار جمعیت دارند و درآمد سرانه آنان بالاتر از ۳ میلیون ریال است، حتی در صورت نداشتن امکانات و خدمات و یا داشتن حداقل ۱۵۰۰ متر فاصله با روستای مجاور، مثبت پایدار یا ایستا ارزیابی می‌شوند. بر پایه این محاسبات در سطح ناحیه ۱۴۹ روستای ناپایدار، ۱۶۵ روستای ایستا و ۱۰۳ روستای پایدار وجود دارد.

جدول شماره ۴: گروه‌بندی و معرفی نقاط پایدار و ناپایدار*

ارزیابی نهایی		فضایی-کالبدی		جمعیت		اقتصادی		محیطی		کارکردها وضعیت پایدار
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۴/۷	۱۰۳	۶/۴	۲۷	۲۳/۵	۹۸	۱۲/۲	۵۱	۶۸/۳	۲۸۵	روستاهای پایدار (+)
۳۹/۵	۱۶۵	۰/۷	۳	۳۵/۴	۱۴۸	۵۵/۶	۲۳۲	۲۷/۸	۱۱۶	روستاهای ایستا (۰)
۳۵/۹	۱۴۹	۹۲/۹	۳۸۷	۴۱/۱	۱۷۱	۳۲/۱	۱۳۴	۳/۹	۱۶	روستاهای ناپایدار (-)
۱۰۰	۴۱۷	۱۰۰	۴۱۷	۱۰۰	۴۱۷	۱۰۰	۴۱۷	۱۰۰	۴۱۷	جمع کل

* دیدگاه کارشناسی نگارنده‌گان بر اساس مطالعات میدانی و محاسبات انجام شده.

بر اساس ارقام جدول فوق‌الذکر ساختارهای فضایی - کالبدی نامطلوب‌ترین شرایط را دارد و تقریباً تمامی نقاط از این نظر ناپایدار هستند (۹۲/۲٪) و پس از آن ساختارهای جمعیتی با (۴۱/۱٪) قرار دارد. ساختارهای اقتصادی نیز برای ۱۰۳ درصد نقاط عامل ناپایداری بوده است، در حالی که ساختارهای محیطی برای ۹۶ درصد نقاط سبب و عامل پایداری و ایستایی شده است. به عبارت دیگر ارقام و تحلیل‌های فوق در مجموع مؤید نابسامانی شدید در ساختارهای فضایی - کالبدی است، که کوچک بودن حجم جمعیتی نقاط و فقدان امکانات و خدمات از اصلی‌ترین عوامل آن بوده است. لذا در ساماندهی نقاط، تغییر در ساختارهای فضایی و ایجاد تحول در حجم جمعیتی نقاط در جهت حذف نقاط کمتر از ۶ خانوار به همراه خدمات‌رسانی به بقیه نقاط به عنوان محورهای اصلی مطرح خواهند بود، که انجام آن برای روستاهای ناپایدار مبتنی بر درجه ناپایداری اولویت‌بندی خواهند شد (نسابه، ۱۳۶۲: ۸۷-۳۵).

تعیین شیوه‌های مداخله به منظور تحولات ساختاری

از آنجا که عمده‌ترین نارسایی‌های موجود در نقاط روستایی این ناحیه، نارسایی‌های سازمان فضایی معرفی گردید، بدیهی است که سامان‌دهی و امکان‌سنجی آن نیز عمدتاً متوجه بهینه‌سازی این سازمان خواهد بود. برای مداخله در سازمان فضایی نقاط روستایی سه الگو مدنظر قرار گرفته است:

۱- تجمیع نقاط روستایی در کانون‌های جدید و قابلیت‌دار.

۲- ادغام نقاط روستایی در نقاط قابلیت‌دار.

۳- توسعه و تجهیز روستاهای کلیدی.

از این سه الگو، الگوی تجمیع حرکتی زیربنایی محسوب می‌شود و تمامی ساختارهای اقتصادی - اجتماعی، محیطی و فضایی - کالبدی را دچار تحول خواهد نمود. لیکن الگوی ادغام، از شرایط ممتازی برخوردار است و عمدتاً هدایت نقاط کوچک به یک کانون جدید و قابلیت‌دار را که واجد کنش متقابل گسترده‌ای با نقاط پیرامون است، شامل می‌شود. الگوی توسعه و تجهیز نقاط کلیدی راهبردی روستاهاست و در نقاطی که دو استراتژی فوق‌الذکر کارایی ندارد، الگوی سوم می‌تواند برخی از نارسایی‌های ساختار فضایی بخصوص امکان خدمات‌رسانی و دستیابی نقاط به امکانات و خدمات مورد نیاز را فراهم آورد (مطالعات میدانی، ۱۳۷۵ و دیدگاه کارشناسی نگارنده‌گان، بدری، ۱۳۶۹).

بررسی‌های بعدی در سطح ناحیه به منظور امکان‌سنجی انتخاب شیوه‌های مداخله، روشن ساخت که اغلب نقاط روستایی برغم کارایی استراتژی تجمیع در مورد آن‌ها، لیکن ساکنین از پذیرش آن رویگردان هستند، زیرا در اختیار داشتن یک موتور پمپ از یک طرف مشارکت اعضای خانوار را به خاطر حراست از آن در محل ضروری ساخته و از طرف دیگر از دست دادن امکانی که خود تحولی عظیم در ساختار اجتماعی و بخصوص روحیه مالکیت انفرادی آنان ایجاد نموده، برایشان دشوار خواهد بود.

از سویی نیز این تحول حاصل زحمات فراوانی بوده که طی چندین سال تحمل شده و در حال حاضر دوران شیرین بهره‌مندی از آن را تجربه می‌نمایند. به بیان دیگر داشتن روستایی مستقل و منابع تولیدی اختصاصی اوج لذت اجتماعی و اقتصادی آنان محسوب می‌گردد که تجمیع تخریب‌کننده آن است! لذا عموماً از پذیرش آن ناراضی‌اند. البته می‌دانیم که چنین لذتی هر چند شیرین است لیکن به سبب موانع و مشکلات فراوان خدماتی، رفاهی خیلی زود حلاوت خود را از دست می‌دهد؛ لذا روستاهایی که در طی حداقل یک دهه قبل پایه‌گذاری شده‌اند، نسبت به تجمیع نظر متفاوتی داشتند و آن را رد نمودند. این سری نقاط عمدتاً در بخش جنوبی دهستان و حوزه قلعه‌بید استقرار دارند.

استراتژی ادغام نقاط روستایی در سطح دهستان به سبب وجود تعداد زیادی از خانوارهای فاقد موتور پمپ و خانوارهایی که درک مناسبی از ضرورت بهره‌مندی از امکانات و خدمات داشته‌اند، پذیرش افزونتری دارد. لذا تعداد کثیری از نقاط روستایی

در حوزه میانی دهستان (شورو و کورین) نسبت به ادغام دو شهرک جدیدالتأسیس موجود در هر یک از آن‌ها به رقابت پرداخته‌اند.

اتکا بر استراتژی توسعه و تجهیز نقاط کلیدی با دو هدف؛ تبدیل شرایط نامساعد خدماتی برای نقاط پراکنده و بنیان‌گذاری کانون‌های جمعیتی آتی مطرح گردیده‌اند، تعداد کثیری از نقاط روستایی به سبب همان اندیشه‌های خاص اجتماعی در حال حاضر هر دو استراتژی فوق‌الذکر را که می‌تواند نارسایی‌های فضایی را به صورت ساختاری حل نماید، رد نموده و بر سکونت در مکان امروزی خود اصرار دارد. این نقاط با توجه به قابلیت‌های توسعه آتی و امکان اجرای طرح‌های تجمیع یا ادغام در سال‌های بعدی، نقاطی قابلیت‌دار و قابل دسترسی شناسایی شده و سعی می‌گردد از طریق دادن مجموعه خدمات ضروری به آنان، دسترسی نقاط کوچک و پراکنده را به این امکانات تسهیل نماییم. با عنایت به این‌که تعداد کثیری از نقاط فاصله کمتر از ۵۰۰ متر با همدیگر دارند، طراحی چنین کانون‌هایی می‌تواند نارسایی‌های موجود را مرتفع سازد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۲۲-۴۰۸).

چشم‌اندازهای آتی نقاط روستایی

- ۱- شرایط محیطی ناحیه از طریق صرفه‌جویی در مصرف آب و بهینه نمودن روش‌های آبیاری و اقدامات مرتعداری، بهبود نسبی خواهد یافت و جوابگوی نیاز آتی آن خواهد بود.
- ۲- نرخ رشد جمعیتی دهستان نسبت به سال‌های قبل متعادل‌تر شده و لذا نرخ رشد ۳ درصد، در آتی پیش‌بینی می‌گردد.
- ۳- شرایط اقتصادی از طریق بهره‌دهی و به‌ثمر نشستن باغات تحولی چشمگیر خواهد یافت.
- ۴- با خروج تدریجی افغانه که امروزه نیروی کار آن را تشکیل می‌دهند، نرخ بیکاری تعدیل و متقاضیان آتی کار نیز از شغل مناسب برخوردار خواهند شد.
- ۵- در ابعاد فضایی - کالبدی نیز تداوم روند گذشته در خصوص زایش نقاط روستایی، به سبب محدودیت منابع آب و احیای اراضی به همراه اسکان عشایر و سایر گروه‌های غیرساکن، امکان‌پذیر نخواهد بود و لذا شرایط متعادل‌تری از زایش نقاط روستایی قابل تصور است.
- ۶- تعداد کثیری از نقاط روستایی از طریق استراتژی‌های سه‌گانه فوق‌الذکر، سامان‌دهی می‌شود و ساختار فضایی بهبود خواهد یافت.

۷- خدمات‌رسانی به نقاط محرومتر از طریق الگوی بهینه نظام توزیعی امکانات و خدمات مقدور خواهد بود.

الگوی توزیع خدمات پیشنهادی

الگوی توزیع خدمات آتی در سطح دهستان و حوزه‌ها نیز در غالب یک نظام چهارسطحی پیش‌بینی و پیشنهاد می‌گردد:

- سطح ۱- مرکز منظومه خدماتی (روستای سرچنگل، مرکز دهستان)
- سطح ۲- مراکز مجموعه خدماتی (روستاهای شورو، دومک، سرچنگل، و قلعه بید)
- سطح ۳- مراکز خدماتی (روستاهای چاه‌رحیم، گلوگاه و موتور عیسی در شورو، الله‌آباد مینویی در قلعه بید، روشن‌آباد، نیازآباد، گلچاه در سرچنگل و چاه زرد در دومک)
- سطح ۴- نقاط پایه مشتمل بر تمام نقاط روستایی

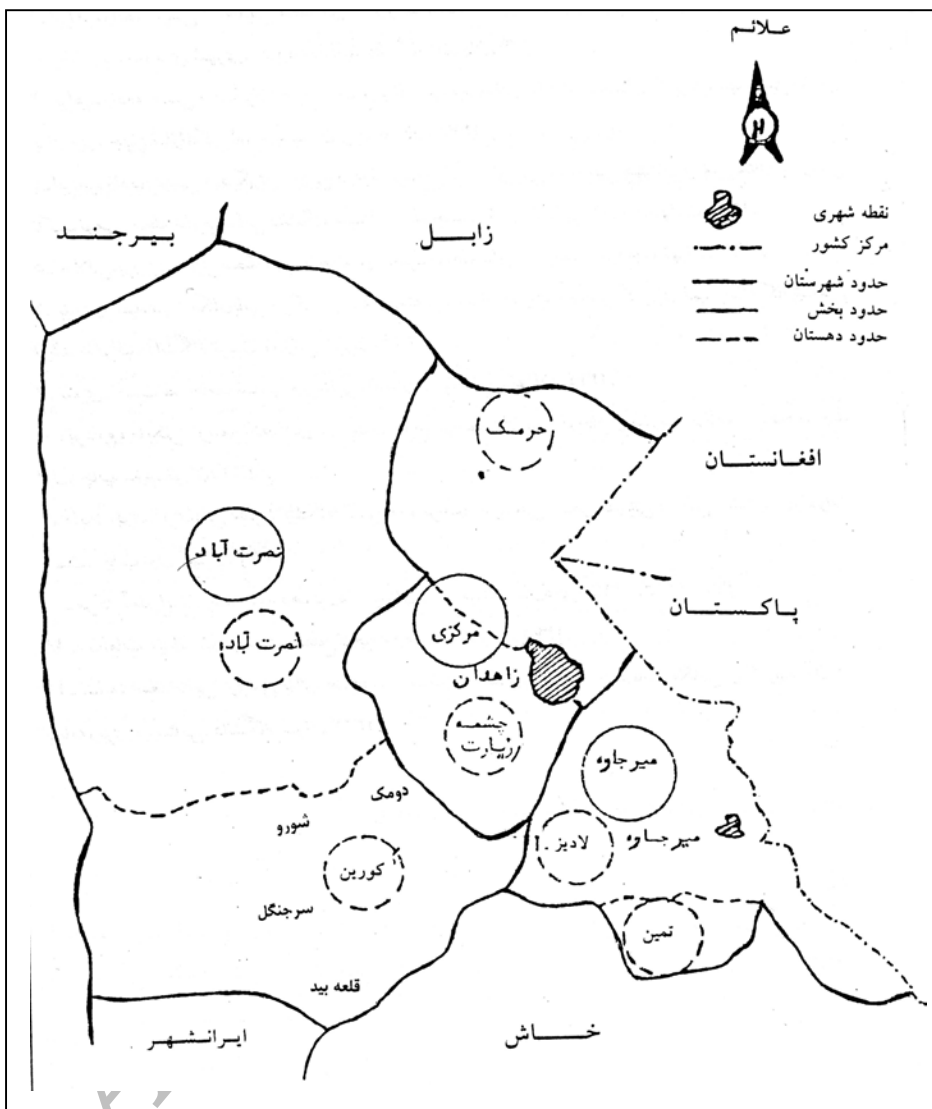
خدمات معرفی شده برای سطح چهار خدمات ضروری (آب، برق و مسجد) که برق‌رسانی به سبب نیاز بخش تولیدی، برای تمام نقاط ضروری است. خدمات معرفی شده برای سطح سه علاوه بر خدمات سطح چهار خانه بهداشت، دبستان، فروشگاه تعاونی و مخابرات خواهد بود.

خدمات معرفی شده برای سطح دو علاوه بر خدمات سطوح چهار و سه مدارس راهنمایی، خدمات اداری و انتظامی را شامل خواهد شد. خدمات معرفی شده برای سطح یک علاوه بر خدمات سایر سطوح شامل درمانگاه، دبیرستان و مجموعه ادارات قابل استقرار در سطح دهستان خواهد بود (براهیم‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۱۸-۲۱۷).

در مجموع با عنایت به این‌که ساماندهی فرآیندی زیرساختی است که در طی زمان حاصل می‌گردد لذا برای دستیابی تدریجی به یک نظام بهینه استقرار فضایی بخصوص جلوگیری از نابسامانی‌های آتی، مقررات خاصی پیشنهاد می‌گردد که اهم آن مشتمل است بر:

- عدم خدمات‌رسانی به نقاط ناپایدار
 - ایجاد تسهیلات جهت جمعیت متقاضی استقرار در کانون‌های قابلیت‌دار
 - تأمین مسکن مناسب در کانون‌های تجمیع و ادغامی جهت تشویق به جابجایی
 - کنترل و جلوگیری از حفر غیرمجاز چاه‌های آب.
- این مجموعه مقررات به همراه نظام اداری و اجرایی پیشنهاد شده که تلفیقی از نیروهای محلی و مدیران اجرایی دستگاه‌ها خواهد بود، جریان سامان‌دهی ناحیه را در یک افق ۲۵ ساله سرانجام مناسب خواهد بخشید.

نقشه شماره ۱: پراکندگی فضایی و موقعیت جغرافیایی روستاهای دهستان کورین



منابع و مأخذ:

- ۱- آسایش، حسین: اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات پیام نور، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲- ابراهیم‌زاده، عیسی: تحلیلی منطقه‌ای از روابط متقابل شهری و روستایی در سیستان، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۹.
- ۳- ابراهیم‌زاده، عیسی و دیگران: طرح تجمیع و ادغام روستاهای پراکنده دهستان کورین، مهندسین مشاور ایران راز، جهاد سازندگی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۵.
- ۴- ابراهیم‌زاده، عیسی و دیگران: تعیین درجه توسعه یافتگی نواحی روستایی سیستان و بلوچستان به روش تاکسونومی، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره پیاپی ۱۳، اردیبهشت ۱۳۸۰.
- ۵- اجلالی، پرویز: تحلیل منطقه‌ای سطح‌بندی سکونتگاه‌ها، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۳.
- ۶- بدری، سیدعلی: مکان‌یابی مراکز توسعه روستایی، نمونه موردی؛ بخش گازران قم، رساله کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۶۹.
- ۷- تقوی، نعمت‌الله: جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات پیام نور، تهران، ۱۳۷۴.
- ۸- تودارو، مایکل: توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، جلد اول، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۶.
- ۹- مایر، جerald و دادلی سیرز: پیشگامان توسعه، ترجمه سیدعلی اصغر هدایتی و علی یاسری، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۰- مرکز آمار ایران، شناسنامه دهستان‌ها سیستان و بلوچستان سال‌های؛ ۱۳۷۵، ۱۳۶۵، ۱۳۵۵.
- ۱۱- مطالعات میدانی نگارنده در سطح ناحیه دهستان کورین، ۱۳۷۵.
- ۱۲- نسابه، اسعدالدین: روشی برای طبقه‌بندی مناطق روستایی از نظر اختلافات مکانی و کاربرد آن در برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۲.

Archive